

داستان مسلمان شدن

۴۰ نفر

از یاران پیامبر ﷺ

نویسنده: دکتر کمال المویل

مترجم: عبدالحمید فقیر تیموری

سرشناسه : المویل ، کمال

عنوان قرارداد: السیره النبویه، فارسی برگزیده قصه السلام اربعین صحابیه . فارسی

عنوان و نام پدید آور: داستان سلمان شدن ۴۰ نفر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم / نویسنده: کمال المویل ، مترجم: عبدالحمید فقیر تیموری .

مشخصات نشر: مشهد : حافظ ابرو ، ۱۳۸۹ .

مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص .

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۳۷-۱۰-۱۰

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : محمد (ص) ، پیامبر اسلام ، ۵۳۰ میل از هجرت - ۱۱ قی . - سرگذشت نام

موضوع : صحابه منه و ائمتان

موضوع : صحابه سرگذشت نام

شناسه افریده : فقیر تیموری ، عبدالحمید ، ۱۳۶۲ -

رده بندی کنگره : ۹۰۲۱۸۱۳۸۹ / الف ۲ / BP 22

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۶۱۷

داستان مسلمان شدن ۴۰ نفر از یاران پیامبر ﷺ

مؤلف :	کمال المویل
مترجم :	عبدالحمید فقیر تیموری
ناشر :	حافظ ابرو
نوبت چاپ :	اول ۸۹
تیراژ :	۲۰۰۰
صفحه :	۱۴۳
قیمت :	۲۰۰۰ تومان

ISBN: 978-600-5837-10-0

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۳۷-۱۰-۱۰

مرکز پخش : خراسان رضوی - تایباد - خیابان رجایی - کتابفروشی سنت .

همراه : ۰۹۱۵۱۲۶۱۳۹۹ تلفکس : ۰۵۲۹۴۲۲۲۱۳۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۸	مقدمه مترجم
۱۴	داستان مسلمان شدن سلمان فارسی علیه السلام
۲۵	داستان مسلمان شدن خدیجه دختر خویلد و ورقه بن نوفل رضی الله عنهما
۳۱	داستان مسلمان شدن علی بن ابی طالب علیه السلام
۳۴	داستان مسلمان شدن زید بن حارثه علیه السلام
۳۷	داستان مسلمان شدن ابوبکر صدیق علیه السلام
۳۹	داستان مسلمان شدن حمزه بن ابی طالب علیه السلام
۴۲	داستان مسلمان شدن عمر بن خطاب علیه السلام
۵۲	داستان مسلمان شدن ابوذر غفاری علیه السلام
۵۴	داستان مسلمان شدن طویل بن عمرو الدوسی علیه السلام

- داستان مسلمان شدن باذان رضی الله عنه ۶۰
- داستان مسلمان شدن سويد بن صامت رضی الله عنه ۶۱
- داستان مسلمان شدن اباس بن معاذ رضی الله عنه ۶۲
- داستان مسلمان شدن انصار رضی الله عنهم ۶۴
- داستان مسلمان شدن معد بن معاذ و اسيد بن حضير رضی الله عنهما ۶۸
- داستان مسلمان شدن عمرو بن جموح رضی الله عنه ۷۳
- داستان مسلمان شدن مرقه بن مالک رضی الله عنه ۷۶
- داستان مسلمان شدن عبدالله بن سلام رضی الله عنه ۷۹
- داستان مسلمان شدن مخیر بن رضی الله عنه ۸۲
- داستان مسلمان شدن تعدادی از افراد بنی هذیل رضی الله عنهم ۸۳
- داستان مسلمان شدن حبی بن اخطب رضی الله عنه ۸۵
- داستان مسلمان شدن ابوالعاص بن ربیع رضی الله عنه ۸۸
- داستان مسلمان شدن عمر بن وهب جمحی رضی الله عنه ۹۵
- داستان مسلمان شدن حویصه بن مسعود رضی الله عنه ۹۹
- داستان مسلمان شدن وحشی قاتل حمزه رضی الله عنه ۱۰۱
- داستان مسلمان شدن اصیرم عبدالاشهل رضی الله عنه ۱۰۴
- داستان مسلمان شدن جبار بن سلمی رضی الله عنه ۱۰۶

- داستان مسلمان شدن عمرو بن عاص و خالد بن ولید رضی الله عنهما ۱۱۰
- داستان مسلمان شدن جویریہ بنت حارث رضی الله عنها ۱۱۳
- داستان مسلمان شدن اسود بن چویان رضی الله عنه ۱۱۶
- داستان مسلمان شدن عتاب بن اسید و حارث بن هشام رضی الله عنهما ۱۱۸
- داستان مسلمان شدن فضالہ بن عمر رضی الله عنه ۱۱۹
- داستان مسلمان شدن صفوان بن امیہ و عکرمہ بن ابوجہل رضی الله عنهما ۱۲۰
- داستان مسلمان شدن مالک بن عوف نمری رضی الله عنه ۱۲۲
- داستان مسلمان شدن کعب بن زہیر رضی الله عنه ۱۲۳
- داستان مسلمان شدن عروہ بن مسعود ثقفی رضی الله عنه ۱۲۶
- داستان مسلمان شدن ضمام بن ثعلبہ رضی الله عنه ۱۲۸
- داستان مسلمان شدن جارود بن عمرو رضی الله عنه ۱۳۱
- داستان مسلمان شدن زید الخلیل رضی الله عنه ۱۳۳
- داستان مسلمان شدن عدی بن حاتم طائی رضی الله عنه ۱۳۴
- داستان مسلمان شدن صرد بن عبداللہ الأزدی رضی الله عنه ۱۳۹
- داستان مسلمان شدن ثمامہ بن اثال حنفی رضی الله عنه ۱۴۱

مقدمه مترجم

حسد و ستایش فقط برای خداوندی است که او را می ستاییم و در کارها از او کمک می گیریم و در زیاده روی ها و گناهان از او ، طلب بخشش می نماییم و از بدی های نفسمان به او پناه می بریم . هر کسی که خداوند هدایتش کند هیچ گمراه کننده ای برای او نیست ؛ و هر کس که خداوند گمراهش کند هیچ هدایت کننده ای برای او نمی باشد . و گواهی می دهم که هیچ معبودی جز ذات اقدس خداوند متعال که هیچ شریک و همدمی برایش وجود ندارد ، نیست و محمد ﷺ بنده و فرستاده ی اوست . ایشان آخرین پیامبری است که خداوند او را برگزیده و برای هدایت جهانیان فرستاده است . خداوند پیامبرش را با هدایت و دینی بر حق فرستاد تا آئینش بر همه ی دین های دیگر برتری داشته باشد اگر چه کافران این امر را نپسندند و بعد :

نفس بشری ، نفسی است که پیوسته مورد مواخذه و پشت درهای بسته قرار گرفته دارای گودی های چنان عمیق و مجراهایی دست نیافتنی می باشد که ناشناخته مانده است و علما و دانشمندان در شناخت عمق وجود ، و درک ماهیت ، و راههای دخول و خروجش ، علی رغم همه ی

دانش‌شان چه در زمینه‌ی روانشناسی و چه در زمینه‌ی روان درمانی ، حیران و سرگردان مانده اند. و آن چه که تا کنون از نفس بشری شناخته شده علمی ناچیز از خزانه‌ی علوم و چشمه‌ی ای کوچک از دریای متلاطم است . بنابراین مسلمان دعوتگر نیاز به شناخت نفس بشری ، راه های داخل شدن به آن ، گودی ها و پستی و بلندی هایش ، مجراهایش و راه های خروج از آن را دارد ، زیرا او وقت خود را برای هدایت مردم صرف می کند . بطوری که این هدایت باطنشان را تغییر دهد و ظاهرشان را از حالتی که هم اکنون زندگی می کنند ، به حالتی که خداوند از آن راضی است و سعادت دنیا و آخرت در آن است ، دگرگون سازد ، صرف می کند .

این کتاب مجموعه ای از سیره‌ی نبوی است از علامه و دانشمند اسلام عبدالملک بن هشام الحمیری (ت : ۲۱۸ هـ) که نزد مسلمانان به سیره‌ی ابن هشام معروف است ، سیره‌ی ای که خلاصه و تکمیل شده‌ی سیره‌ی نبوی امام محمد بن اسحاق (ت : ۱۵۲ هـ) که تا کنون مفقود است ، می باشد . در این کتاب قصه‌ی اسلام آوردن تعدادی از صحابه‌ی کرام ﷺ را که مسلمان شد نشان متمایز با بقیه است ، ذکر کردم و از خداوند متعال می‌خواهم که در این قصه ها ، عبرت و پندی برای خواننده باشد زیرا که مهم همان پند و اندرز گرفتن از قصه است ، خداوند متعال می‌فرماید :

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (يوسف، ۱۱۱)

(در قصه هایشان درس عبرتی برای صاحبان خرد و اندیشه بود ، آن قصه ها سخنانی نبودند که به کسی به دروغ افتراء بسته شده باشد ، بلکه تصدیقی است که در جلوی رویش بوده و تفصیل و توضیح همه چیز و هم چنین هدایت و رحمتی برای کسانی که ایمان دارند ، بوده و هست).

و زمانی که هدف از قصه پند گرفتن باشد ، اسلام از قصه به عنوان وسیله ای تربیتی که با آن بتواند پیروانش را تربیت کند ، استفاده کرده است .

اسلوب تربیت با قصه از بهترین روش های تربیتی موثر در انسان به شمار می آید ، زیرا ما از طریق استقراء ، می فهمیم که وجدان و نیروی باطنی یک فرد در جوامع ما ، وجدان قصصی است . فرد رشد و تربیتش بر اساس قصه است ، که شروع این قصه ها از جانب پدر بزرگ و مادر بزرگ بوده و پس از آنها ، از طرف پدر ، مادر ، جامعه و سپس با قصه های مدارس و مساجد پایان می یابد و اگر بگوییم که قصه ها در قرآن بیش از نیمی از آن را به خود اختصاص داده است زیاد روی نکرده ایم و چیزی که در قصه ها مهم است ، سلامتی و درستی آن است

، زیرا هدف نهایی قصه ، رسیدن به اندیشه‌ی سالم و مطلوب می باشد و این همان چیزی است که قرآن از آن به نام عبرت و پند یاد می کند ، به همین خاطر کوتاه گویی در قصه ها به گونه ای که در بنای اصلی و ثابت آنها خللی ایجاد نکند ، از واجبات این فن به شمار می آید ، خواه این قصه دو کتاب خدا ، سنت رسول الله ﷺ ، یا در سیره ی مبارک ایشان و یا در سیره ی اصحابش باشد .

یکی از واجبات مسلمان و شخص دعوتگر این است که : در روش تربیتی قصه گونه ، کوتاهی ننماید و خود را در بند پیشنهادها و مسائل فکری خشک و خسته کننده نگه ندارد ، بلکه روش های متنوعی را در پیش گیرد و مسائل و اندیشه های فکری اش را با قصه ، موعظه ، مثل و هر روشی که به او توانایی داخل شدن به نفس بشری و همراهی با آن و بالاخره تاثیر گذاشتن بر آن را می دهد ، عجین و همراه سازد ، البته روشی که سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت را برای فرد محقق سازد .

در تفاسیر ذکر شده که صحابه ؓ احساس خشکی کردند و گفتند : ای رسول خدا ، برایمان قصه نمی گویی ؟ پس خداوند سوره ی یوسف ﷻ را به طور کامل یک دفعه نازل فرمود و این روایت و سیرتی ذاتی از زندگی پیامبری بزرگوار از پیامبران خداوند متعال است و ما هم اکنون نظری گذرا داریم بر این که : مردم چگونه قصه را بین یکدیگر

رد و بدل می کنند ؟ و چطور صداهایشان را آواز گونه در مناسبت ها و غیر مناسبت ها بلند می کنند و این چیزی نیست جز این که ، اسلوب داستان ، اسلوبی دوست داشتنی برای نفس و روان انسانی است و در تکوین روان شخص و هم چنین بر اندیشه ها و احساسات وی تاثیر شگونی می گذارد .

همچنین تربیت با داستان وقصه ، تربیتی اسوه گونه است ، زیرا هر قصه ، پلهوانی و قهرمانی دارد که برای خواننده و شنونده به منزله ی بهتر به تران یا برتر برتران است ، که تحت تاثیرش قرار می گیرد و می کوشد تا از او تقلید کند همانطور که در پی آن است که ، بعضی از صفات یا حتی همه ی صفاتش را داشته باشد و در خود اجرا کند ، این شخص در آن فرد برتر چیزی را می یابد که پیوسته در فکرش می چرخد و در سینه اش حک شده است .

و در پایان می گویم : هیچ قصه ای از قصه های ذکر شده در این کتاب نیست مگر این که بر روان بشری تاثیری متمایز و ممتاز دارند ، زیرا تجربه های صحابه رضی الله عنهم در قبول اسلام و گردن نهادن به دستوراتش ، یکی نیستند ، چون نفوس بشری ، هر چند با هم تشابه داشته باشند ، ولی عینا مثل هم نیستند .

برادر خواننده : آن چه را که من از نیازهای مبرم و حتمی تو می بینم که این قصه ها را مطالعه کنی و در مورد آنها شناخت حاصل

کنی ، این است که این قصه ها ، قصه های آحاد و افراد طبقه پائین مردم نیست ، بلکه قصه ی شخصیت های بزرگی هستند که پیام اسلام را به همه ی جهانیان رساندند و پیوسته در مقابل دستورات اسلام گردن می نهادند و سر تعظیم فرود می آوردند ولی ما در پی ترک آن دستورائیم ، و اگر این بزرگواران نبودند ، ما اسلام را نمی شناختیم و از پیروان این دین کامل به شمار نمی رفتیم .

و خداوند کارهای نیک را توفیق می دهد .

(۱) داستان مسلمان شدن سلمان فارسی ؓ

از عبدالله ابن عباس -رضی الله عنهما- روایت شده است که :
 سلمان فارسی، در حالی که با من رو در رو صحبت می کرد به من گفت :
 من مردی ایرانی ، از روستایی که به آن (جی) می گفتند ، بودم ، شغل
 پدرم کشاورزی بود و من دوست داشتنی ترین آفریده ی خدا نزدش
 بودم ، آنقدر مرا دوست داشت تا این که بر اثر این دوستی مرا همانند
 دختران خانه بشین کرده ، و مامور آتشکده نموده بود؛ من به مانند پنبه
 ای شده بودم که هیزم آتش باشد و نمی گذاشتم حتی یک لحظه
 آتشکده خاموش شود . راوی می گوید که سلمان گفت : پدرم ملک و
 زمین زراعتی بزرگی داشت یک روز که شروع به ساخت و ساز خانه
 ای کرده بود ، به من گفت : فرزندان امروز من به خاطر ساخت این خانه
 نمی توانم سر زمین بروم ، تو به آن جا برو و کارهایش را انجام ده ، آن
 چه را لازم بود به من گفت تا انجام دهم علاوه بر این گفت : خودت را
 گم نکنی و جایی دور نروی زیرا تو برایم مهم تر از زمین هستی حتی از
 همه ی کارهایم هم مهم تری .

سلمان گوید : من به طرف زمینی که دستور داده بود حرکت
 کرده و بیرون شدم ، در بین راه به یکی از کلیساهای نصاری برخوردم و
 در حالی که آنها نماز می خواندند ، صدایشان را شنیدم ، ولی چون پدرم
 مرا در خانه نگه داشته بود ، نمی فهمیدم مردم چه می کنند و در دنیای